

تقاضای کمک پناهندگان افغان در حوزه کونستانس

ما پناهندگان افغان در خطر در کشور ما، زندگی خود را در اروپا، آلمان در حومه شهر کونستانس شروع نمودیم تا حراست و امنیت دریابیم و یک دور نمای خوب برای زندگی نو جوانان خود اباد نماییم.

ما کشور خود را ترک کردیم زیرا ما مجبور به ترک آن بودیم. ما با فهم خطرات راه گریز آنرا قبول نمودیم تا به امنیت نایل آییم.

این حق طبیعی ما منحصراً انسان است، ما را نباید مثل توپ بازی سیاسی بسازند. زندگی ما را مبحث توافقات حکومت افغانستان حکومت کشور های اروپایی بسازند. حکومت افغانستان برای پذیرفتن ما پول گزاف در جیب میکند اما آنها قادر نیستند که امنیت ما را تامین نمایند. معاملات اینطوری نباید با حیات ما صورت گیرد. ما بطرف اروپا و آلمان رو آورده ایم زیرا ما به حقوق بشر و دموکراسی عقیده داریم.

ما پناهندگان افغان نسبت خطر حیاتی از طرف طالبان و یا دیگر گروههای افراطی سیاسی و مذهبی گریز و نخواستیم که بحیث جنگجو اسیر اسلحه طرفهای درگیر شویم. ما از هنگام طفولیت بغیر از جنگ داخلی در کشور مان و یا تجاوز دیگر کشور ها را در کشور خود در شرق دور شاهد نبودیم. ما صلح میخواستیم و میخواستیم در صلح زندگی کنیم. بعضی از هموطنان ما دوران کودکی خود را مثل پناه گزین در کشور های شرق میانه و شرق نزدیک سپری نموده اند و دیگر کدام وابستگی به افغانستان ندارند و آرزو دارند تا بحیث انسان با حق مساوی در یک کنج روی زمین اجازه یابند و جاه گزین شوند. و در اینجا در حوزه شهر کونستانس آمده اند.

ما نمی فهمیم که بعضی اشخاص در دستگاه سیاسی آلمان و یا ادارات آلمان، افغانستان را محل امن میدانند.

ما اینرا قبول نداریم هیچ جایی در افغانستان امن نیست. حیات ما در خطر است ما نمیتوانیم بر گردیم و نمیخواستیم بر گردیم.

هنگامیکه ما صبح در میدان طیاره کابل برسیم ما را بحال خود ما رها میکنند. هیچ یک اداره کمک موجود نمیشود. اکثر ما کدام خویش و قوم نداریم محل بود و باش نداریم. پولیس ما را می رهاوند.

ما با بس بکدام منطقه دیگر مسافرت کرده نمیتوانیم طالبان و دیگر گروهها کنترل مینمایند سوال مینمایند و میکشند.

ما در سرک بوده نمیتوانیم. نظامیان و پولیس اکثر اوقات با طالبان و دیگر گروهها افراطی و جنایی همکاری مینمایند. در شهر ها و یا محلات تحت کنترل دولت هم نظامیان و هم حوزه های پولیس خورا مکلف به امنیت محلات کنترل طالبان و یا دیگر گروهها نمیدانند. همچنان آوازه است که نظا میان و پولیسها شبانه عقب نشینی مینمایند. ما بی پر وبال میشویم و تابع خود سربهای گروههای مسلح میشویم.

اکثر ما جوان هستیم . هر گاه دولت المان ما را بر گرداند ما حیات خود را در خطر می بینیم .که بعد ان سوال مینماید و یا میپرسد که آیا ما زنده هستیم بعضی از ما مجبور میشوند که بمیرند و یا بحیث جنگجو با یکطرف بجنگد.به اینصورت حکومت المان زمینه را برای جنگجویان جدید برای گروپهای افراطی مهیا میسازد.ما میخواهیم در صلح و آرامش زندگی نمایم، آیا این یک خواهش زیاد است. در ولایاتی که اکثر ما از آنجا آمده ایم در آنجا ما بخوبی استقبال نمیشویم ما را کافر و خاین میدانند در آنجا ما کمترین انتظار امنیت نداریم و اکثر اوقات تهدید میشویم.بعد از فرار ما مردم افغانستان زیادتر متفرق شده اند و گروپها مذهبی و جوانان افراطی شده اند.

هر کسی که از میان ما نمیخواهد بمیرد ویا جنگجو شود تکرار در تکرار راه فرار را اختیار مینماید.

امروز پناه جویان از مرگ دیگر پناه جویان حکایت میکنند که در سرحدات پاکستان ایران و یا ویا سرحدات ترکیه از طرف موظفین سرحدی تیر خورده اند.یک فامیل مقیم شهر کونستانس تعداد زیاد این مرده ها را هنگام فرار دیده است.اطفال از دیدن این صحنه ها شوک روحی دیده اند.

بسیاری در راه فرار در کدام گوشه خواهند مرد . در اره فرار گم خواهند شد ،و یا در مدیترانه غرق خواهند شد.

پس ما چه باید بکنیم ما در محلات اقامت پناهندگان در حومه کنستانس بود وباش داریم و المانی می آموزیم . بسیار مردم ما را حمایه مینمایندکه اینجا باشیم . ما از آنها سپاسگزار هستیم ومیخواهیم انرا جبران کنیم .ما میخواهیم در اینجا کار کنیم ،بود وباش نمایم و یکجا با همه در امنیت زندگی نماییم.

ما از نمایندگان مردم این شهر و پارلمان المان از همسایگان خود از شهریان (اعم از زن و مرد)، حوزه کنستانس تقاضا داریم تا زمینه حمایت دوامدار وامکانات یک دورنمای زندگی را برایما اجازه دهند.